

صادرات و واردات و «مونتاز» واژه‌ها در زبان فارسی

کریستینا قریب / کیهان چاپ لندن

ها را به طریقی از خود ما گرفته اند، دوباره به ما داده اند و از آن زمره اند:

از عربی:

فارسی (که پارسی بوده است)، خندق (که کندک بوده است)، دهقان (دهگان)، سماق (صندل (چندل)، فیل (پیل)، شطرنج (شترنگ)، غربال (گربال)، یاقوت (یا کند)، طاس (تاس)، طراز (تراز)، نارنجی (نارنگی)، سفید (سپید)، قلعه (کلات)، خنجر (خون گر)، صلیب (چلیپا) و بسیاری از واژه‌های دیگر.

از روسی:

استکان: این واژه در اصل همان «دوستگانی» فارسی است که در فارسی قدیم به معنای جام شراب بزرگ و یا نوشیدن شراب از یک جام به افتخار دوست بوده است که از سده ۱۶ میلادی از راه زبان ترکی وارد زبان روسی شده و به شکل استکان در آمده است و اکنون در واژه نامه فارسی آن را واماژه ای روسی می دانند.

سارافون: این واژه در اصل «سراپا» ی فارسی بوده است که از راه زبان ترکی وارد زبان روسی شده و واگویی آن عوض شده است. اکنون سارافون به نوعی جامه ملی زنانه روسی گفته می شود که بلند و بدون آستین است.

پیژامه: همان «پای جامه» فارسی می باشد که اکنون در زبان های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و روسی Pyjama نوشته شده و به کار می رود و آنها مدعی وام دادن آن به ما هستند.

واژه های فراوانی در زبان های عربی، ترکی، روسی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی نیز فارسی است و بسیاری از فارسی زبانان آن را نمی دانند. از آن جمله اند:

کیوسک که از کوشک فارسی به معنی ساختمان بلند گرفته شده است، و تقریباً در همه زبان های اروپایی هست. شغال که در روسی shakal، در فرانسوی chacal، در انگلیسی jachal و در آلمانی schakal نوشته می شود. کاروان که در روسی karavan، در فرانسوی caravane، در انگلیسی caravan در آلمانی karawane نوشته می شود. کاروانسرا که در روسی -karvan sarai، در فرانسوی -caravanserai، در انگلیسی caravanserai و در آلمانی karawanserei نوشته می شود.

پردیس به معنی بهشت که در فرانسوی paradis، در انگلیسی paradise و در آلمانی paradies نوشته می شود. مشک که در فرانسوی musc، در انگلیسی musk و در آلمانی Moschus نوشته می شود. شربت که در فرانسوی sorbet، در انگلیسی sherbet و در آلمانی sorbet نوشته می شود. بخشش که در انگلیسی -baksheesh و در آلمانی bakschisch نوشته می شود و در این زبان ها معنی رشوه هم می دهد. لشکر که در فرانسوی و انگلیسی lascar نوشته می شود و در این زبان ها به معنی ملوان هندی نیز هست. خاکی به معنی رنگ خاکی که در زبان های انگلیسی و آلمانی khaki نوشته می شود. کیمیا به معنی علم شیمی که در فرانسوی، در انگلیسی و در آلمانی نوشته می شود. ستاره که در فرانسوی astre در انگلیسی star و در آلمانی stern نوشته می شود.

Esther نیز که نام زن در این کشورها است به همان معنی ستاره می باشد. برخی دیگر از نام های زنان در این کشورها نیز فارسی است، مانند: Roxane که از واژه فارسی رخشان به معنی درخشنده می باشد و در فارسی نیز به همین معنی برای نام زنان «روشنگ» وجود دارد.

دنیاله مطلب در صفحه ۴۲

ضرب المثل معروف را لابد شنیده اید که:

«فارسی شکر است... ترکی هنر است».

ناصر خسرو قبادیانی هم می گوید:

چو آچار است لفظ فارس در خورد

که بی آچار چیزی کم توان خورد

که البته کلمه آچار در اینجا به معنی چاشنی غذاهاست. به هر حال، این زبان شیرین فارسی، مانند هر زبان تکامل یافته ای - برعکس گویش های محلی - هم واردات داشته است، هم صادرات و هم ترکیبات یا واژه های مونتاز شده. تنها واژه های عربی نبوده است که بعد از آمدن اسلام به ایران با واژه های عهد باستان در آمیخت و زبان رودکی و فردوسی و حافظ و سعدی را تشکیل داد، به نوبه خود از ایران هم واژه هایی به زبان عربی رفت و «مغرب» شد. همچنان که بعضی واژه ها که امروزه ما به کار می بریم و ریشه عربی دارد در ایران «مونتاز» شده است و به شکل کنونی آن در فرهنگ لغت عرب وجود دارد و نه عرب زبان ها معنی آن را درک می کنند. زبان فارسی با زبان های دیگر شرق و غرب، از ترکی و هندی و مغولی گرفته تا فرانسوی و انگلیسی و غیره نیز داد و ستد داشته و واژه هایی را از آن زبان گرفته و مقابلاً واژه هایی را صادر کرده است.

مقاله شیرینی را در این زمینه که حاصل تحقیق عالمانه ایست، در زیر می خوانید.

ناگفته هایی از زبان فارسی

آیا می دانستید واژه های زیر همگی فرانسوی هستند و از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده اند؟

-آسانسور، آلباز، آمپول، املت، باسن، بتون، بلیت، بیسکویت، پاکت، پالتو، پریز، پلاک، پماد، پوتین، پودر، پوره، پونز، پیک نیک، تابلو، تراس، تراخم، تمبر، تیراژ، تور، تیپ، خاویار، دکت، دلیمان، دوجین، دوش، دیپلم، دیکته، رژه رژیم، زیگزاگ، ژن، ساردین، سالاد، سانسور، سرامیک، سرنک، سرویس، سری، سزارین، سوس، سلول، سمینار، سودا، سوئیس، سیل، سن، سنا، سندیکا، سیفون، سیمان، شانس، شوسه، شوفاز، شیک، شیمی، صابون، فامیل، فر، فلاسک، فلش، فیله، فیبر، فیش، فیلسوف، فیوز، کاتوچو، کابل، کادر، کادو، کارت، کارتن، کافه، کامیون، کاموا، کپسول، کت، کتلت، کراوات، کرس، کلاس، کلوب، کلیشه، کمپ، کمپرس، کمپوت، کمد، کمیته، کتور، کنسرو، کنسول، کنکور، کنگره، کودتا، کوین، کوپه، کوسن، گاراز، گارد، گاز، گارسون، گریس، گیشه، گیومه، لاستیک، لامپ، لیسانس، لیست، لیموناد، مات، مارش، ماساژ، ماسک، مبل، مغازه، موکت، مامان، ماتیک، ماشین، ماتوه، مایو، مبل، متر، مدل، مرسی، موزائیک، موزه، مین، مینیاتور، نفت، نمره، واریس، وازلین، وافور، واگن، ویتزین، ویرگول، هاشور، هال، هالتر، هورا و بسیاری واژه های دیگر.

بسیاری از واژه های عربی در زبان فارسی را نیز اعراب در زبان خود به معنی دیگری می فهند، از آن زمره اند:

رقیب (عرب می فهمد: نگهبان)، شبایل (عرب می فهمد: طبع ها)، غرور (فریفتن)، لحم (پرگوش)، نضر (مردم)، وجه (چهره) و بسیاری از واژه های دیگر.

آیا می دانستید که ما بسیاری از واژه های فارسی مان را به عربی و یا به فرنگی واگویی (تلفظ) می کنیم؟ این واژه های فارسی را یا اعراب از ما گرفته و عربی (معرب) کرده اند و دوباره به ما پس داده اند و یا از زبان های فرنگی، که این واژه

از ماست که برماست



افلیا پرویزاد e-mail: azmastkebarmast@yahoo.com

Take care that the face that looks out from the mirror in the morning is a pleasant face. You may not see it again during the day, but others will. Anon

این خاطره همیشه در ذهنم باقی موند... و هر چند وقت یکبار به یاد اون صحنه می افتم که علی داد میزد «عمو آشغالی... عمو آشغالی!!»...
برام جالبه که این چه رسم و رسومی است که باید به بچه هایمان یاد بدهیم هر کسی را با لقب خاله و یا عمو صدا بزنند!!... تا بجایی که بچه گیج شود و فکر کند که آشغالی، پستی و سبزی فروش محله نیز جزو عموها و خاله هایش هستند...

خود بنده بارها رفتم منزل اشخاصی که یا اولین بار بوده، و یا زیاد رابطه نزدیک نداریم، و جالب اینجاست که بزور به بچه هایشان تمحیل می کنند که: «به خاله افلیا سلام کن...» و یا اینکه «خاله افلیا را دیدی؟! سلام کردی؟!...»، و یا «ببین کی اینجاست؟! خاله افلیا... سلام کردی؟!...»... حالا بچه طفلکی نه تا حالا منو دیده!!... و نه می شناسه!!... اما یک دفعه صاحب یک خاله دیگه در این دنیا میشه!!... و البته بنده هم صاحب یک خواهرزاده یا برادرزاده دیگه که نه اسمش را میدونم!... نه سنش را!... و نه تا به آن موقع دیده بودمش!... البته بسیاری چنین کاری را توجیه میکنند که مثلاً میخوان به بچه هایشان از چنین طریقی احترام گذاشتن به بزرگترها را یاد بدهند!!...

اما آیا راه های دیگری برای پدر و مادرها در این مورد وجود ندارد؟!... حتماً باید به عنوان احترام، شناسنامه فامیلی برای همدیگر صادر کنیم؟!... البته متذکر شوم که بچه هایم، چند نفری را که از دوستان بسیار «نزدیک و قدیمی» هستند خاله و عمو صدا میزنند... اما دیگه از زمان حاملگی دست هر کسی را روی شکم نذاشتم تا بعنوان عمو و عمو خاله و دایی به بچه معرفی کنم که بعدها گیج شود و مانند علی آقا، به آقای آشغالی بگوید «عمو آشغالی»... فردا «دایی پست چی»... پس فردا «خاله دکت»... و دیگه کار بجایی برسد که خودم هم گیج شوم و واقعاً باور کنم که هزاران خواهر و برادر در هر گوشه دنیا روی سر خودم و شوهرم ریخته است...

یاد خاطره ای افتادم که حدود نزد یک به بیست سال پیش شاهدش بودم...
در آن زمان چند تا خانه آنطرفتر همسایه ایرانی داشتیم... زن و شوهری که تازه از ایران، با پسرشان علی که حدود چهار سالش بود آمده بودند به آمریکا...
انسانهای خوبی بنظر میرسیدند...

یکروز ظهر از منزل بیرون آمدم که پست را چک کنم... همانطور که به طرف جعبه پستی میرفتم، علی را دیدم که هراسان از منزلشان دوید بیرون... بدون اینکه مرا ببیند، با سرعتی باور نکردنی از کنارم گذشت... اشک از چشمانش سرازیر و پشت سر هم داد می زد «عمو آشغالی... عمو آشغالی... کمکم کن...» بنده نیز هاج و واج که جریان چیه... چی شده... و عمو آشغالی کیه به این صحنه نگاه می کردم!!...

سرم را برگرداندم بطرف مسیری که علی در حال دویدن بود... دیدم که آشغالی محل با کامیونش مشغول خالی کردن سطل های آشغال مردم هست... هم ناراحت شدم که چرا این بچه به این صورت آشفته حال بنظر می رسد، و هم خنده ام گرفته بود، چون تا بحال نشیده بودم که کسی به آشغالی بگه «عمو آشغالی»... دویدم بطرف علی، جلوش را گرفتم و پرسیدم: «چی شده؟!... در همین زمان، مامان علی سراسیمه از منزلشان آمد بیرون، بدنبال پسرش...

معلوم شد که علی آقا سطل پر از رنگ را که پدرش خریده بود تا دیوار آشپزخانه شان را رنگ بزند، پخش زمین آشپزخانه کرده، و از ترسش و تا قبل از اینکه مادرش متوجه جریان شود، به گریه افتاده، از منزل بیرون آمده تا به جایی پناه ببرد، که البته چشمش به «عمو آشغالی» می خورد!!... بعد از اینکه علی آقا آرام کردیم و مادرش به او قول داد که تیبیه اش نخواهد کرد، برای مادر علی جریان سراسیمه بودن پسرش را تعریف کردم و با تعجب گفتم که نمیدونم چرا آشغالی را «عمو آشغالی» صدا میکرد... مادر علی جواب داد: «آخه افلیا جون، ما همیشه به علی یاد دادیم که بزرگترها یا خاله هستند یا عمو!!»...

پلیس «امنیت اخلاقی» و «شناسایی باندهای ترویج بدحجابی»



داد و گفت: جریمه های نقدی سنگین برای کاهش این جرم تعیین شده است.

ایران تایمز: «رئیس پلیس امنیت اخلاقی» نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از دستگیری تعدادی از فروشندگان و تولیدکنندگان پوشاک به اتهام «ترویج بدحجابی» خبر داد و گفت: این افراد با استخدام زنان و دختران لباس های «نامتعارف» را در اختیار آنان قرار می دادند و آنها با حضور در معابر اقدام به «تبلیغ بدحجابی» و استفاده از این نوع لباس ها می کردند.

«احمد روزهبانی» همچنین از افزایش مجازات برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان نوشیدنی های الکلی خبر

Laser Beauty Center
از بین بردن موهای زائد بدن با لیزر
با مدیریت ندا امیری
Neda Amiri R.N.
با بیش از ۸ سال سابقه

- جوان سازی پوست با استفاده از لیزر
- از بین بردن موهای زائد بدن با استفاده از لیزر
- کشیدن پوست بدون جراحی با استفاده از لیزر
- بوتاکس

- Laser Skin Rejuvenation
- Laser Hair Removal
- Titen (Skin Tightening)
- BotoX

مشاوره اولیه رایگان
(408) 370-3882
1848 Saratoga Ave., #6A, Saratoga, CA 95070

بهترین قیمت بهترین کیفیت
سفره عقد
408-931-0105
Email: maryam@aghd.us
برای آشنایی با سایر خدمات و مشاهده نمونه طرحها به وب سایت ما مراجعه فرمایید:
www.aghd.us

Laserwash
TOUCH FREE
Car Wash
Coupons & more:
Touchfreewash.com
"Free popcorn, forever"
۷٪ از درآمد ما به سازمان های خیریه اهدا می شود.
7% of our proceeds are donated to charity.
1199 El Camino Real, San Bruno, CA 94066